

امید و حس عضویت ملی، تقویت توانمندی شناختی، مهارتی و سواد مجازی جامعه، تعمیم سواد و تقویت و بسط روح تفکر و علم‌آموزی و تحقیق و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری برای نیل به استقلال فرهنگی و علمی و افزایش خودباوری، حفظ و نشر افکار و آثار فرهنگی انقلاب اسلامی و ایجاد و تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای دیگر به‌ویژه با ملل و نخبگان اسلامی و مواجهه هوشمندانه با معارضات مهاجمان و ستیزه‌گران و مهار آسیب‌ها و تهدیدات فرهنگی و مضمون‌سازی در برابر تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای، محورهای مهم از اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی در سند تحول تاکید شده است.

۴ غرب‌زدگی یکی از آسیب‌های بزرگ مان محسوب می‌شود

یکی از آسیب‌های بزرگ ما بحث غرب‌زدگی است. غرب‌زدگی مساله‌ای نیست که به‌راحتی بتوان تغییرش داد. غرب‌زدگی «نهاد» پیدا کرده است. نهادهای اجتماعی ما از آموزش و پرورش و آموزش عالی گرفته تا نظام وزارتخانه‌ای؛ همگی بر مبنای مدل تقسیم کار جامعه مدرن طراحی شده‌اند. وقتی نهاد شما نهادی مدرن است، طبیعتاً محتوا نیز به‌نوعی از آن نهاد الهام می‌گیرد و می‌بیند محتوای آموزش و پرورش به‌همان سمت حرکت می‌کند. بخشی از محتوای آموزش عالی نیز همان تکراری می‌شود که از محتوای علوم اجتماعی، علوم انسانی، هنر، موسیقی و سینما غرب گرفته شده است. این رویکرد در اندام که نباید از تجربه جهان استفاده کنیم اما بحث زندگی کردن در اقلیم فرهنگی اسلامی - ایرانی، امری است که باید محقق می‌شد. در درجه اول می‌خواهم بگویم اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی نتوانسته در بعضی از این جنبه‌ها عمیق شود، به این دلیل نبوده که نمی‌خواست، بلکه مساله پیچیده و سخت است. این اتفاقات به‌راحتی نمی‌توانند رخ دهند.

یکی از اتفاقاتی که باید بیفتد مربوط به نیروی انسانی است. شما معلم می‌خواهید و معلم تراز انقلاب هم می‌خواهید. یک میلیون معلم در ایران داریم و همگی نیز محترم هستند. وقتی به مشاغل نگاه می‌کنیم، می‌بینیم معلمی طبق فرموده حضرت امام، شغل انبیا و شغلی مقدس است، اما هنگامی که از دریچه حوزه تخصص می‌نگرید، مشاهده می‌کنید ۶۰ درصد معلمان ما رویی رسته ندارند. اساساً آموزش و پرورش در این سال‌ها فاقد نظام جذب بوده است. البته امروز ما مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تنها مسیر جذب معلم، دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی است. ما نیازمند تقویت جامعه معلمی کشور هستیم. جامعه معلمان مهم‌ترین رکن نظام تعلیم و تربیت در تراز تمدن نوین اسلامی هستیم.

۵ اهمیت معلم مهدکودک حتی از معلم دانشگاه هم بیشتر است

از نظر من اهمیت معلم مهدکودک از معلم دانشگاه بیشتر است؛ چراکه بهترین دوره یادگیری، آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی و همچنین تعلیم و تربیت اسلامی متعلق به دوره کودکی است. اما مهدکودک جزء برنامه‌های ما نبوده است. مهدکودک به دست بخش خصوصی افتاده و این بخش نیز براساس شاخص‌های یونیسف، مهد را اداره می‌کند. آنها با موسیقی، استخر، نقاشی و یک سری امور پیش می‌روند که شاخص‌هایش را از جای دیگری گرفته‌اند. این فاجعه ما را اذیت نمی‌کند که بچه چهارساله ما در چنین فضایی قرار می‌گیرد. ما بررسی کردیم و دیدیم ۱۴ نهاد، مجوز مهدکودک صادر می‌کنند! دستور مجوز اصلی در اختیار سازمان بهزیستی کشور بود، درحالی‌که مهدکودک، موضوع مأموریت این سازمان نبود، لذا شورای عالی انتقال این وظیفه را منحصر به آموزش و پرورش واگذار کرد و سازمان ملی تعلیم و تربیت را تصویب کرد.

۶ نظام مسائل حوزه علم و فرهنگ را در طرح تحول استخراج کرده‌ایم

رهبری در پیام سال‌گذشته تاکید کردند شورای عالی انقلاب فرهنگی، وظیفه ساماندهی و سیاستگذاری در حوزه فرهنگ و هدایت دستگاه‌ها را برعهده دارد. به نقاط قوتی اشاره کردید، رهبری نیز در دیدار اخیرشان با دانشجویان عنوان کردند که در این زمینه دچار ساده‌انگاری شدیم و اصل مبحث را دریافت نکرده‌ایم. درکنار اتفاقات مثبتی که افتاد، گویا شورای عالی در جایگاهی دچار ساده‌انگاری شده و تا حدودی غفلت‌هایی بر شورا مترتب شده. آنچه مهم‌تر جلوه می‌کند علت عقب‌افتادگی شورا در بعضی از حوزه‌های فرهنگی نسبت به سیر تحول جامعه است. این نکته تا چه حد مورد توجه شما و اعضای جدید شورای عالی قرار دارد؟ اکنون در طرح تحول، نظام مسائل کشور را در حوزه «علم و فناوری» و «فرهنگ» استخراج کرده‌ایم. نظام مسائل فرهنگ مشخص است. ما مسائل بزرگ فراوانی در حوزه فرهنگ داریم. یکی از مهم‌ترین مسائل ما حوزه آسیب‌های اجتماعی شامل مصرف مواد مخدر، اعتیاد، مصرف الکل، افزایش طلاق، بی‌حجابی، بدحجابی و کج‌رفتاری‌های اجتماعی است. به‌طور مثال بخشی از نسل جوان به‌جای تقویت

۱۳۹۸ یک مصوبه تکمیلی به شورای عالی انقلاب فرهنگی بردیم و وظایف تکمیلی برای دستگاه‌ها مصوب شد و شورای اجتماعی کشور مسئولیت راهبری و مدیریت اجرا مصوبات حجم را برعهده دارد. اما رصد، پایش، پیگیری و تنها نگذاشتن نیروی انتظامی در وسط گود مساله‌ای به این مهمی مربوط به درست انجام دادن وظایف مربوطه در آموزش و پرورش، صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهای رسانه‌ای کشور است. امروز بودجه عظیمی از سهم فرهنگ کشور در دست شهرداری‌هاست، اما می‌بینیم در آرایش شهری و معماری شهر کاستی داریم. شهرهای ما بی‌هویت شده‌اند؛ چراکه رویکرد معماری فاخر بالای سر شهر نبوده است. وقتی به مبلمان شهری یا ساختمان‌ها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم شرایط خوبی ندارند و نمی‌توان احساس یک شهر خاص و با هویت ایرانی-اسلامی را در آن مشاهده کرد.

روزی به یکی از روسای جمهور دوره‌های قبل گفتم: «کافی بود فکری تمدنی بالای سر معماری شهر و بناهای دولتی باشد، مثلاً ایستگاه‌های قطار شهری از الگوی معماری ریشه‌دار در تاریخ تمدنی ایران الهام می‌گرفت و این الگو تکرار می‌شد. به این ترتیب وقتی فری وارد ایستگاه می‌شد، احساس می‌کرد اینجا ایران است، نه اینکه پاریس یا لندن یا نیویورک است.» ایشان به من گفت: «زمان راه‌اندازی فقط می‌خواستیم توسعه بدهیم و به این مسائل فکر نکردیم.» به ساختمان‌های بانک‌ها نگاه کنید، هیچ معنای فرهنگی و تمدنی ایرانی در آنها وجود ندارد. ساختمان‌های پست را ببینید، چه معنایی دارند؟ ساختمان‌های بسیار زیادی ساخته‌ایم.

زمانی وزارت مخابرات در محله «سیدخندان» یک ساختمان سه طبقه داشت. اکنون می‌بینیم به ترتیب شماره خورده و تا پایین آمده‌اند. این همه بنا ساخته‌ایم و می‌توانستند الگو و معنایی داشته باشیم. کافی بود تفکر معماری ایرانی-اسلامی بالای سر طرح مسکن مهر بود، اتفاقات متفاوتی می‌افتد. آپارتمان‌های مدل غربی را تکرار کردیم و مردم را به داخل طبقات بردیم. فرهنگ آپارتمانی، فرهنگی تودرتو است و جمعیت را درون همدیگر قرار می‌دهد، به همین دلیل می‌تواند هزارویک مساله اجتماعی ایجاد کند. این مسائل کاستی‌ها ماست و باید روی آنها کار شود. به نظر من حتماً شدنی است. علی‌رغم اینکه زمان را از دست داده‌ایم اما در گام دوم انقلاب، تجارت گذشته، دانش چندوجهی و چندرشته‌ای و انگیزه‌های ساخت یک تمدن نوین اسلامی، می‌تواند چرخه جدیدی از تحولات فرهنگی را برای استقرار جامعه پویای اسلامی رقم بزند. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، ارزش‌های انقلاب را برجسته می‌کنند. می‌توان با تکیه بر این داشته‌ها، داشته‌های جدیدی ایجاد کرد. با ذکر نداشته‌ها به‌جز احساس شکست و ناگامی، اتفاق مهمی نمی‌افتد. البته نمی‌گویم نباید آسیب‌شناسی کرد. اتفاقاً این کار باید انجام شود. ولی زدن بر طبل نشدن باعث می‌شود افراد صدای طبل شکست را بشنوند، نه طبل پیروزی را.

۷ در سند تحول شورا اهداف مهمی مانند اعتلای فرهنگ عمومی مورد توجه قرار گرفته است

به بعضی از کاستی‌های موجود و لزوم آسیب‌شناسی اشاره کردید. طبیعتاً بخشی از این کاستی‌ها متوجه شورای عالی است. قبل از نگارش سند تحول، بحث آسیب‌شناسی تا چه حد جدی بود و دوره‌های اخیر شورای عالی چقدر مورد بررسی قرار گرفت؟ اگر بخواهید نتیجه آسیب‌شناسی‌ها را به صورت چکیده مطرح کنید، چه می‌گویید؟

برای سند تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی، چند کار را انجام داده‌ایم؛ اولاً تمام احکام رهبری در ادوار گذشته را تحلیل محتوا کرده‌ایم، حتی سخنرانی‌هایی را که ایشان به‌صورت معمول بعد از صدور حکم و در ملاقات با اعضای شورای عالی انجام می‌دادند مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار داده‌ایم. البته این ملاقات به تازگی افتاده و آخرین ملاقات اعضای شورای عالی انقلاب با آقا به سال ۱۳۹۳ برمی‌گردد. جمع‌بندی ما در جلسات شورای معین و شورای عالی انقلاب فرهنگی این بود که باید آن نگاه را دنبال کنیم. دنبال کردن دیدگاه‌های امام رحمه‌الله علیه و مقام‌معظم‌رهبری موجب تعمیق و اثرگذاری بر حوزه علم و فرهنگ می‌شود. این عمق استراتژیک برای ما تفکرات امام و رهبر معظم انقلاب بود. ادبیات علم و فرهنگ متعلق به رهبر معظم انقلاب است. البته کاستی‌های زیادی در عرصه نظر و عمل نسبت با آن نگاه بلند به فرهنگ به‌عنوان عرصه تمدنی هستیم.

خیلی‌ها تصورشان از سند تحول، تحول در نظر و روش‌های مرتبط با علم و فرهنگ بود. اما این موارد سطوح بعدی سند تحول است. در سطح بعدی باید به جامعه و جامعه‌پردازی توجه دقیق شود. در سند تحول شورای عالی اهداف مهمی ترسیم شده است که بر کلان‌مفاهیمی مثل اعتلای فرهنگ عمومی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی، بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ و رسانه‌های کشور، ارتقای جایگاه و نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، تحکیم و توانمندسازی خانواده و رشد و ارتقای منزلت و کرامت زنان در جامعه، ارتقای سرمایه اجتماعی و روحیه